

## امجدیه ۳ قرانی!

نام امجدیه

نشانی: خیابان مفتح



بیرون دروازه دولت، معروف به باغ امجدیه، بود که به مساحت بیست و یک هزار ذرع مربع که هر ذرع ۱۰۴ سانتی متر است از مرحوم حاجی مهدی قلی مخبر السلطنه هدایت از قرار ذری سسه قران خریداری شد. در اوایل سال ۱۳۱۲ در میدان ورزش امجدیه طرح بنای یک ورزشگاه عمومی استادبوم ریخته شد و طبق نقشه موسیوسسیرو، مهندس فرانسوی، آغاز شد که جایگاه‌های مدرج گرداگرد آن محوطه گنجایش پانزده هزار تماشاچی را دارد. به اعتقاد حدادی، امجدیه نه تنها نخستین مجموعه ورزشی ایران، بلکه بخشی از هویت و خاطره شهری و ملی کشور است. برپایی مسابقات کشتی پهلوانی ملی کشور و اعطای بازوبند پهلوانی در مجموعه امجدیه انجام می‌شد. به عبارت دیگر، در عصر پهلوی دوم امجدیه کار کردی را در شهر تهران به دست آورد که در عصر قاجار، میدان ارگ واجد آن بود.



ورزشگاه امجدیه نخستین ورزشگاه و زمین فوتبال استاندارد کشور در تهران بود و بسیاری از اتفاقات مهم تاریخ فوتبال در این میدان ورزشی رقم خورده است. درباره تاریخچه تاسیس این ورزشگاه نقل شده که دولت وقت در سال ۱۳۰۶ زمین ورزشگاه امجدیه را از فردی به نام «امجد نظام یا امجد السلطنه» برای ساخت یک زمین رسمی فوتبال، با تصویب لایحه‌ای در مجلس، خرید. امجد نظام شرط کرد که اگر نام ورزشگاه به نام او نامگذاری شود، این زمین را با هزینه کمتری بفروشد. از این رو ورزشگاه «امجدیه» نامگذاری شد، اما نصرالله حدادی، تهران شناس، این ادعا را با اسناد و دلایلی رد می‌کند: «سال ساخت امجدیه، معمار آن و علی اصغر حکمت، وزیر معارف که زمین را فروخته یا اهدا کرده ساخته ذهن تاریخ‌سازان است. ورزشگاه در سال ۱۳۰۶ ساخته نشد، بلکه ۸ سال بعد از این تاریخ بنا شده است. علی اصغر حکمت، وزیر معارف و فرهنگ کشور و بهداری در دوران پهلوی اول و دوم، می‌نویسد: «... در پایتخت چهار زمین وسیع در چهار نقطه شهر (شمال: اراضی باغ امجدیه، شرق: اکبر آباد دولاب، غرب: اراضی پشت باغشاه و جنوب: اراضی معروف به باغ فردوس نزدیک بیمارستان شیر و خورشید سرخ) خریداری و به نام وزارت معارف قباله شد که همه هنوز موجود است. بدین ترتیب میدان‌های نسبتاً وسیع در چهار نقطه شهر به وجود آمد... از این میدان‌ها آن که از همه وسیع‌تر بود،

ویکتی، ثبت رکورد بیشترین تماشاگر

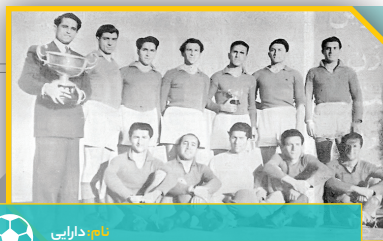
در دهه ۲۰

تاریخ: ۱۳۳۴

نشانی: ورزشگاه امجدیه (انتخابی المپیک ۱۹۶۴ ایران - هندوستان)

## روز تماشاگران تهرانی

بر گزار می‌شد. اوج طرفداری از این تیم بار دیگر در دهه ۴۰ رقم خورد. بازی دارایی و تیم شعاع تهران در حالی برگزار شد که ۱۲ هزار نفر برای تشویق دارایی آمده بودند ولی هواداران تیم شعاع به ۱۰۰ نفر هم نمی‌رسیدند. این تعداد تماشاچی قرار بود با طرفداری از تیم خود از آن حمایت کنند، ولی ورق برگشت و آنها با شعارهای تمسخرآمیز علیه محمدرضاشاه، خشم دربار را برانگیختند و باعث انحلال و جریمه سنگین باشگاه شدند.



نام دارایی

سازندها: حسین فکری، مهرباب، شاه‌رخ، مصطفی عرب، منصور پورحیدری، جلال طالبی، حمیدعلیدوستی، رضا نعلچگر، بهروز سلطانی و...

نشانی: تهرانبارس



## وقتی خورشید تهرانی متولد شد

ماجرای ظهور و افول تیم فوتبال دارایی تهران به تنهایی یک داستان است. مانند همه داستان‌های هیجانی که فکر می‌کنی قهرمان داستان مرده است، اما قهرمان ناگهان سر بر می‌آورد و دوباره شما را به هیجان می‌آورد، تیم فوتبال دارایی نیز با فراز و فرودهایش چندین دهه در فوتبال کشورمان درخشیده است.

این باشگاه اصالتاً تهرانی از جمله تیم‌هایی است که به کلمه «طرفداری» در فوتبال معنا داد. دارایی، طبق روایت‌ها، در سال ۱۳۱۵ با نام «خورشید» در تهران و در محله تهرانپارس تاسیس شد و عنوان قدیمی‌ترین تیم فوتبال ایران را به نام خود ثبت کرد. سیدمحمد تدین که از چهره‌های شناخته‌شده علمی و سیاسی قاجار و دوران پهلوی بود با پایه‌گذاری این تیم رویاهای زیادی در سر داشت. تدین که به خاطر حمایت قاطعانه از قرارداد ۱۹۱۹ و نقشی که در انتقال سلطنت از سلسله قاجار به رضاشاه داشت، چهره‌ای جنجالی در تاریخ مدرن ایران محسوب می‌شود، با ورود به دنیای ورزش به دنبال ایجاد فضایی برای رخنه در دل‌های مردم بود و خیلی زود این تیم تهرانی طرفداران خود را پیدا کرد.

تیم خورشید بعد از چندین سال فعالیت به دارایی تغییر نام داد و کم‌کم از میانه‌های دهه ۱۳۲۰ با ظهور تیم‌های پرمهره‌ای مانند شاهین و تاج رو به افول گذاشت.

گزارشگر: عطاءالله بهمنش

تاریخ: ۱۳۴۲

نشانی: ورزشگاه امجدیه (انتخابی المپیک ۱۹۶۴ ایران - هندوستان)



## خاطرات نخستین گزارش فوتبال

روز ضبط صوتم را برداشتم و به ورزشگاه رفتم و گوشه‌ای از یک بازی را ضبط کردم. دستگاه میکس نداشتم. هر دوی اینها را گوش دادم و مقایسه کردم، دیدم که گزارشم با صدا چگونه است. این را بردم سر کلاس درس. دبیر ما، معینیان، بود. بعضی از دوستانم به من خندیدند که این کیسه‌مارگیری چیست که با خودت آورده‌ای! اما من گوش ندادم و گزارشم را پخش کردم. دبیر گوش داد و گفت بعد از کلاس بیاید دفتر. در دفتر به من گفت: هر کس به تو حرفی زد گوش نکن. همان کاری را که خودت تشخیص داده‌ای انجام بده! بعد همان دبیر باعث شد مرا برای نخستین بار دعوت کردند که بازی فوتبال بین ایران و هندوستان را به‌طور زنده گزارش کنم. من رفتم کنار چمن نشستم و گزارش کردم. وقتی به رادیو برگشتم از در که رسیدم، هر کس به من رسید، گفت عالی بود، چقدر خوب بود! اما من از این کار احساس غرور نکردم.

واژه‌های ناب و شور و وصف‌ناپذیر در صدای رسای عطاءالله بهمنش برای شرح یک رقابت فوتبالی باعث می‌شد تا شنونده خودش را در زمین چهار گوش فوتبال تصور کند. بهمنش، نخستین گزارشگر تاریخ فوتبال ایران بود که بازی فوتبال بین ایران و هندوستان (بازی‌های انتخابی المپیک ۱۹۶۴ توکیو - ۱۳۴۲) را زنده گزارش کرد. «یک ضبط صوت «جلاسوی» ایتالیایی خریده بودم، ۲۵۰ تومان. یک روز که کسی خانه نبود، در دوران رقابت کشتی بین امامعلی حبیبی و جهانبخت توفیق، من گزارش این کشتی را نوشتم تا به مطبوعات بدهم. اما گفتم ببینیم با این ضبط صوتم چطور می‌شود کار کرد. من که استاد نداشتم، هر چه بود اگر چشمه زلال بود یا گل آلود، خودش بود. این را من گزارش کردم و بعد گوش دادم. دیدم بد نیست. فقط یک عیب دارد و آن هم اینکه سروصدای محیط را ندارد. به کسی حرفی نزد، یک